

حروف اضافه در زبان فارسی معاصر موارد استعمال و خصوصیات نحوی آنها

سابقهٔ دیرین زبان فارسی و قدمت و شکوه‌مندی ادب ایرانی نیازی به بازگوئی ندارد. این نیز روشن است که در زبان فارسی بجهت پرداختن ایرانیان به زبان و ادب عربی، تا این اواخر دستور و کتاب قواعد منقحی تدوین و تألیف نشده بود.

جای خوشوقتی است که در چند دههٔ اخیر در این فن کوشش‌هایی درخور بکارگرفته شده، و کتب دستوری عمومی و حتی تخصصی نوشته و منتشر شده است.

- اما ذکر این مسأله هم شایسته است که اثرهایی که در سالهای اخیر توسط عده‌ای از مؤلفان محترم در این زمینه انتشار یافته، با همه اهمیت‌هایی که دارند، بنا بدلائلی که ذکر میشود کافی بنظر نمیرسند:
- ۱- دستورهای موجود بعلت تحریر ناقص، و باین جهت که خود زبان را مورد تحقیق و بررسی قرار نداده‌اند در حدکمال مطلوب نیستند.
 - ۲- فقدان توجه به اصول علمی دستور نویسی در کارهای انجام

شده که خود ازدو لحاظ قابل توجه است : الف - نداشتن روش علمی مشخص و اصولاً فقیدان روش در بررسی مسائل دستوری . ب - پیروی و تقلید از یکدیگر ، بدین معنی که چند تن از دستور نویسان با تأثر از طبقه بندیها و روش دستورنویسی عربی یا زبانهای خارجی ، بدون توجه بموارد اختلاف و انطباق آن طبقه بندیها با طبیعت زبان فارسی ، مسائل دستوری را مورد توجه قرار داده ، و دیگران که اکثریت را دارند بدون تحقیق از نظر همین عده معدود پیروی کرده اند . در نتیجه میتوان گفت ، کثرت تعداد دستورهای فارسی بهیچوجه دلیل کثرت تحقیق و مطالعه نیست و اغلب این دستورها تحریر یا طراحی مجددی با تغییر شواهد و امثله از روی همان چند دستور است .

البته اهمیت کارهای نادری که از روی بصیرت و تعمق و با روش علمی در این زمینه انجام شده قابل انکار نیست .

۳ - [اغلب قریب با اتفاق دستورهائی که تاکنون نوشته شده ، مسأله زمان را در تحقیقات دستوری بکلی فراموش کرده ، و مسائل را اعم از قدیم و جدید ، بدون توجه بمشخصات خاص هر دوره بررسی کرده اند . چنانکه غالباً بعنوان شاهد در یک مورد دستوری ، شعری از شاهنامه و یا عبارتی از تاریخ بیهقی در کنار جمله ای از صادق هدایت و شعری از فروغ فرخزاد قرار گرفته است ! در واقع وضع خاص صرف و نحو فارسی معاصر در برابر فارسی گذشته یا فارسی ادبی جز بندرت در تحقیقات دستوری انعکاس نداشته است .]^۱

۱ - این نظریه را از استاد محترم آقای دکتر منوچهر مرتضوی استفاده کرده ام .

این نکته اهمیت بررسی هر یک از مباحث مهم دستوری را بر اساس زبان فارسی معاصر نشان میدهد و گاهی کوچک در تدوین دستوری کامل بر همین مبنا میتواند باشد.

در مقاله حاضر با توجه به اهمیت چنین شیوه‌ای «حروف اضافه» که یکی از مباحث مهم دستوری است مورد بررسی قرار گرفته و کوشش رفته است حتی المقدور از عواملی که موجبات نقص و نارسائی را فراهم می‌آورند بدور ماند.

قبل از هر چیز باید در این نکته کنجکاوشد که چرا و چگونه این ادوات را که خود از چند حرف تشکیل یافته به حروف نامگذاری کرده‌اند، چرا که حرف در زبان فارسی دارای معانی زیر است:

الف - یکی از حروف الفبا . ب - واحد گفتار که همان سخن باشد . چنانکه این کلمه با بعضی از افعال فارسی ترکیب یافته، افعال مرکبی با مفاهیم گوناگون بوجود آورده است . مثل : حرف زدن ، حرف در آوردن ، حرف شنیدن

در زبان فارسی هیچگونه قرینه‌ای که بتواند این وجه تسمیه را توجیه نماید بدست نمی‌آید . بناچار باید آن را در لابلای قواعد نحو عربی جستجو کرد که بازبان فارسی قرابت خاصی دارد . حرف که جمع آن حروف و احرف است در لغت بمعانی زیر آمده است : یکی از حروف هجا ، واحد گفتار که همان کلمه باشد ، و بالاخره کلماتی که به تنهایی فاقد معنی مستقل هستند ولی پس از پیوستن به کلمه بعدی افاده معانی

مختلفی میکنند^۱

بدین ترتیب کاملاً روشن میشود که دستور نویسان فارسی عملاً از نحو عربی متأثر شده و معنی اخیر حرف را انتخاب کرده‌اند که به تنهایی دارای معنی مستقلی نبوده و بایوستن بکلمه بعدی معانی گوناگونی از آن مستفاد میشود. بعد از ادای این توضیح دیگر جای هیچگونه شکفتی باقی نمی‌ماند که چرا یکی از دستور نویسان بسیار فاضل و متعصب دروجه تسمیه این ادوات از این حد نیز یا را فراتر نهاده و حروف اضافه را حروف (جرّ) نامیده است^۲ در دستور زبان فارسی همایون فرخ حروف اضافه زیر عنوان پیشوند ذکر شده، باین استدلال که این حروف قبل از مدخول خود یعنی مفعول بواسطه قرار میگیرند، و پیشوند های موجود زبان فارسی را پیشایند نامگذاری کرده است.^۳

حروف اضافه با آنکه بتنهائی دارای معنی مستقل نیستند ولی دارای مفاهیمی از قبیل: ابتدا، انتها، ظرفیت، تشبیه، استثنا و امثال آنها هستند و کلمه یا عبارتی را بجزمله نسبت داده و آنها را متمم مفهوم

۱- الحرف جمع حروف و احرف: احد حروف الهجا و یسمی «حرف المبنی». و فی النحو: ما دل علی معنی فی غیره کدلالة «هل» علی معنی الاستفهام و یسمی «حرف المعنی».

۲- الکلمة کقولهم «هذا الحرف لیس فی القاموس» ای هذه الکلمة المنجد

۳- غلامحسین کاشف، دستور زبان فارسی، استانبول ۱۳۲۹ صفحه ۲۱۰

۴- دستور جامع زبان فارسی، تهران ۱۳۳۷ عبدالرحیم همایون فرخ

فعل قرار می‌دهند. و اضافه در لغت بمعنی اسناد و نسبت دادن است. اشاره این نکته نیز درخور است که برخلاف ادعای اکثر دستور نویسندگان که میگویند حروف اضافه در زبان فارسی بسیار زیاد و متعدد است تعداد این حروف کاملاً محدود و معدود می‌باشد و از خصوصیات ظاهری آنها اینست که هیچوقت روی کلمه بعدی اضافه نمی‌شوند. اگر چنانچه اکثر دستور نویسندگان از قبیل: پیش، پس، نزدیک، روی، زیر، جلو... و امثال آنها را جزو حروف اضافه منظور کرده‌اند، صرفاً به پیروی از دستور زبانهای اروپائی بوده و خصوصیات نحوی آنها را در زبان فارسی نادیده گرفته‌اند. زیرا این کلمات روی کلمه بعدی اضافه میشوند یعنی حالت مضاف پیدا میکنند و چون مضاف بودن یکی از خصوصیات اسم است بنا بر این اینگونه کلمات اسم هستند که روی کلمه بعدی اضافه میشوند نه حرف. از طرفی [تعریف اسم یعنی اینکه بتواند مستقیماً مسند الیه واقع شود بر آنها صادق است. چنانکه میتوان گفت «روی میز صاف است»، «زیر میز تاریک است»... و همچنین میتوانند تمام حالات مختلف اسم را قبول کنند] بنا بر این اطلاق نام حروف اضافه باین قبیل کلمات جز توجه بگرامر زبانهای خارجی و غفلت از خصوصیات نحوی آنها در زبان فارسی انگیزه دیگری نمی‌تواند داشته باشد. بی‌مناسبت نیست باین نکته هم توجه داشته باشیم که حروف اضافه هم مانند سایر اجزاء زبان در دوره‌های مختلف پذیرای تحولاتی

شده و دگرگونی‌هایی در آنها پدید آمده است چنانکه [حروف اضافه زبان فارسی امروزی در زبان پهلوی تلفظ دیگری داشته و نوع استعمالشان غیر از آن بوده که امروزه هست. و همچنین حروف اضافه دیگری در دوره‌های قبلی وجود داشته که امروزه استعمال آنها بکلی متروک شده است]^۱

در این مقاله حروفی مورد بررسی قرار گرفته که در محاورات عمومی استعمال دارند.

حروف اضافه رایج زبان فارسی معاصر عبارتند از: از - با - به - در - بر - بی - تا - چون - زی - جز - اندر. توضیح اینکه استعمال حروف: اندر - چون - زی در زبان فارسی حاضر بسیار محدود برده و منحصر به ادامه سنت ادبی است. و استعمال حرف اضافه بر کاملاً رو بکاهش است. و حرف اضافه جز بیشتر در اشعار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در گفتگوی عمومی بندرت بکار می‌رود. بنا بر این حروف اضافه رایج و فعال زبان فارسی امروزی عبارتند از: از - با - به - در - بی - تا قبل از پرداختن به بررسی نحوی آنها، توضیح این نکته کاملاً ضروری بنظر می‌رسد که اگر [این حروف با کلماتی از قبیل: پیش، پس، زیر، روی، ... و امثال آنها یکجا بکار روند تشکیل ترکیبات اضافی خواهند داد که اغلب حروف اضافه اصلی آنها امروزه حذف

1 - Etudes Iranienres Darmesteter , james paris 1883

میشود] ^۱ چنانکه در جمله « کتاب در زیر میز است » در زیر یک ترکیب اضافی است و امروزه حرف اضافه اصلی یعنی در حذف شده و باینصورت گفته میشود « کتاب زیر میز است » که زیر یک ترکیب اضافی است که حرف اصلی آن حذف گردیده است . اینک ذیلا کیفیت استعمال حروف اضافه رایج زبان فارسی حاضر و خصوصیات نحوی آنها بتفصیل مورد بررسی قرار میگردد .

از

۱- استعمال آزاد

حرف اضافه گاهی بدون وابستگی یکی از اجزاء جمله بطور مستقل و آزاد بکار میرود و فقط با مدخول خودش متمم مفهوم فعل قرار میگیرد بطوریکه حذف آن با متممش هیچگونه ابهامی در معنی جمله ایجاد نمیکند بعبارت دیگر در استعمال آزاد ، دل حرف اضافه با متممش فقط توضیح بیشتر نحوه وقوع فعل است . چنانکه در جمله [از دیروز تا حالا هر چه فکر میکنم چیزی ندارم که بنویسم] ^۲ اگر حرف اضافه از و متممش دیروز حذف کنیم هیچگونه خلل و ابهامی در مفهوم جمله

1- Grammaire du persan contemporain , Gilbert Lazard ,
paris 1957

صفحات ۷۱ و ۱۸۷

۲- سه قطره خون صفحه ۹۱ .

بوجود نمیآید و حضور حرف اضافه در جمله فقط مبدأ زمان فعل نکردن را بیان میکند.

حرف اضافه از در موارد زیر استعمال آزاد دارد: الف - مکان

ا - حرف اضافه مبدأ را بیان میکند مثال [من از زمین تا آسمان با آنها فرق دارم]^۲

b - حرف اضافه محل عبور را میرساند. مثال [این بود که خشمم را فرو خوردم، و از پله ها رفتم بالا]^۳

c - حرف اضافه فاصله را توضیح میدهد. مثال [من از نزدیک نگاه کردم]^۴ ب - زمان (مبدأ) مثال. [از آن شب تا حالا هر شب

میآید، و با همان صدا ناله میکشد]^۵ ج - سببیت - مثال [آخرش از زور ناتوانی بستری شدم، ولی ناخوش نبودم، در ضمن دوستانم بدیدنم میآمدند]^۶ د - وسیله و واسطه، مثال [مرد را از لقمه ای خرسند دار]^۷

ه - تبعیض مثال [یکی از بچه ها صورتش مثل چغندر قرمز بود]^۸ و - واسطه تفضیل مثال [راست میگفت زودتر از همه، او دندانهای مرا

شمرده بود.

۲ - مدیر مدرسه صفحه ۳۲

۱ - سه قطره خون صفحه ۱۳

۴ - سه قطره خون صفحه ۲۷

۳ - سه قطره خون صفحه ۲۰

۶ - سه قطره خون صفحه ۲۱۰

۵ - زننده بگور صفحه ۲۳

۸ - مدیر مدرسه صفحه ۴۴

۷ - مدیر مدرسه صفحه ۲۱

۲- وابسته فعل

حرف اضافه گاهی در جمله بدون اینکه از خود استقلالی داشته باشد وجودش در گر و مفهوم فعل است بعبارت دیگر این مفهوم فعل است که برای ادای توضیح وجود حرف اضافه را ایجاد میکند چنانکه در جمله [روزها که از مدرسه بر میگشتم نازی جلوم میدوید] حرف اضافه از وابسته بفعل برگشتن است و حذف آن ابهامی در معنی جمله ایجاد میکند و شنونده حق دارد برای رفع ابهام این پرسش را بکند که از کجا برگشتی. توضیح اینکه ممکن است يك فعل دارای چند حرف اضافه وابسته باشد چنانکه فعل برگشتن بنا باقتضای مفهومش میتواند گاهی حرف اضافه از و گاهی حرف اضافه، به را وابسته خودش سازد. هر فعلی بحکم معنی خود یکی از حروف اضافه را وابسته خودش میسازد. مثلا باید گفت: پرسیدن از، آمدن از، رسیدن از، رفتن به، گفتن به، سوار شدن به، صحبت کردن با، ملاقات کردن با، آشنا شدن با، نشستن در، شنا کردن در، فرورفتن در..

۳- وابسته اسم

حرف اضافه گاهی در جمله وابسته معنی اسمی است که پیش از آن میآید بطوریکه تفکیک آنها از یکدیگر مفهوم جمله را بکلی دگرگون میکند مانند این جمله [پس از فراغت از معلمی، قسمت عمده کار و

ریاضت او درخانه‌اش شروع میشد^۱ که از دوم بوسیله اسم پیش از خودش یعنی فراغت هدایت میشود بعبارت دیگر معنی فراغت وجود حرف اضافه از را بعد از خودش الزامی میسازد و غیر از این حرف هیچ حرف اضافه دیگر نمیتواند معنی فراغت را توجیه نماید .
این ترکیب محدودیتی ندارد و هر اسمی باقتضای معنی خود حرف اضافه وابسته اش را جذب کرده و مفهوم جمله را توضیح میدهد .

۴ - وابسته صفت

گاهی حرف اضافه در جمله وابسته معنی صفتی است که پیش از آن واقع میشود مانند این جمله [آدم آرزو میکند که دور از آبادی درکنج دنجی باشد ، و کسی آهسته پسانو بزند]^۲ که حرف اضافه از وابسته مفهوم صفت پیش از خودش یعنی دور است . و همچنین در این جمله [و يك دنیاى دیگر پر از اسرار باو ظاهر شد]^۳ که حرف اضافه از وابسته صفت پیش از خود یعنی پر است موارد استعمال این ترکیب نسبت بترکیب وابسته اسم بمراتب کمتر است .

۵ - ترکیبات اضافی

بطوریکه قبلاً توضیح داده شد هر گاه حرف اضافه بایکی از اسماء

۱- سه قطره خون صفحه ۱۹۶

۲- سه قطره خون صفحه ۱۴۸

۳- سه قطره خون صفحه ۲۱۷

از قبیل: پیش، پس، روی، جلو... و امثال آنها یکجا استعمال شود ترکیب اضافی بوجود می‌آورد. این ترکیب را باین علت اضافی می‌گوئیم که روی مدخول خودش همان اثر را میگذارد که حرف اضافه در روی کلمه بعدی خود یعنی متمم عمل میکند. و اضافه همان نسبت دادن است. در جمله [یعنی اول ناظم شروع کرد که از دست او دل پری داشت، و من هم دنبالش را گرفتم]^۱ از دست یک ترکیب اضافی است زیرا این ترکیب روی کلمه او همان اثر را دارد که حرف اضافه از. چنانکه همان جمله را با حذف کلمه دست میتوان نوشت: یعنی اول ناظم شروع کرده که از او دل پری داشت و من هم دنبالش را گرفتم.

بطور کلی هرگاه کلمه بعد از حرف اضافه اصلی که با هم ترکیب اضافی تشکیل میدهند فاقد ارزش *semantique* یعنی معنی واقعی خود باشد و این کلمه بکمک حرف اضافه اصلی افاده معنی کند ترکیب اضافی بوجود خواهد آمد. بدینجهت است که این ترکیبات در زبان فارسی میتوانند متنوع و متعدد باشند. این ترکیب بردو نوع است: اول حرف اضافه بعلاوه اسمی که بعد از آن می‌آید و روی کلمه بعدی اضافه میشود مثال [سمار از بالای سکو با قوری بزمین غلطید]^۲ که از بالای یک ترکیب اضافی است. ترکیبات از طرف، از نظر، از جانب، از روی... از همین قبیلند. دوم ترکیب از یک قید یا یک صفت که بعد از آن حرف

۱ - مدیر مدرسه صفحه ۶۲

۲ - سه قطره خون صفحه ۶۵

اضافه ذکر میشود مثال. [و حالا بعد از مرگش دارائی خود را باد بخشیده]^۱ که ترکیب بعد از يك ترکیب اضافی است. ترکیبات پیش از، قبل از، پس از... از همین قبیلند.

۶- ترکیبات ربطی

حرف اضافه گاهی با کمک کلمات دیگر ترکیباتی بوجود میآورد که وظیفه شان جز ربط کلمات و جملات بهم دیگر چیز دیگری نیست و بدین جهت آنها را ترکیبات ربطی مینامیم در جمله [بعد از اینکه چند دقیقه دم حوض معطل شد، او را وارد اطاق بررگی کردند]^۲ بعد از اینکه يك ترکیب ربطی است. ترکیبات پیش از اینکه، از آنجائیکه، از بسکه، از نظر اینکه از همین نوع هستند.

۷- ترکیبات مختلف

حرف اضافه گاهی با افعال و کلمات دیگر ترکیب یافته، اصطلاحات و ترکیبات جدیدی با معانی گوناگون بوجود میآورد. و این ترکیب بدین جهت صورت میگیرد که بخواهیم اریك کلمه و یا يك فعل مفاهیم متنوعی اراده کنیم. و بدو قسمت کاملاً متمایز تقسیم میشوند. اول ترکیبات فعلی ۸- ترکیبات فعلی ساده مثال [میدانست که کاکا رستم با امامقلی ساخته

۱- سه قطره خون صفحه ۴۳

۲- سه قطره خون صفحه ۶۸

تا اورا ازرو ببرند] ^۱ که فعل ازرو بردن يك ترکیب فعلی ساده است .
 مثالهای دیگر : ازدست دادن ، ازحال رفتن ، ازکار افتادن ، ازخود
 پرسیدن . . . b - ترکیبات فعلی مرکب مثال [حالا همه جوانها ازدل و
 دماغ میافزند] ^۲ که ازدل و دماغ افتادن يك ترکیب فعلی مرکب است ،
 مثالهای دیگر : ازجا در کردن ، ازجا در رفتن ، شور ازسر افتادن ، از
 آب و گل در آمدن ، ازدست بر آمدن . . .

دوم ترکیبات قیدی مثال [میرزا حسینعلی ازخانواده های قدیمی ،
 آدمی بااطلاع ، و ازهر حیث آراسته بود] ^۳ که ازهر حیث يك ترکیب
 قیدی است . مثالهای دیگر : از آن پس ، از آن رو ، ازاین جهت ، ازاین
 گذشته . . . این ترکیبات چه فعلی و چه قیدی در زبان فارسی بسیار
 متنوع هستند و اصطلاحات مختلف از همین ترکیبات بوجود می آیند .

۸ - حذف

حرف اضافه از چون مبدأ و ابتداء زمان و مکان را بیان میکنند
 و بعضی مواقع علت و وسیله امر را توجیه می نماید حذفش جایز نیست
 با اینحال در چند مورد بسیار نادر حذف آن دیده میشود مثال [حرفم
 یادم رفت] ^۴ یعنی حرفم از یادم رفت . مثالهای دیگر : دور تا دور ،

۱ - سه قطره خون صفحه ۷۱

۲ - سه قطره خون صفحه ۲۲۳

۳ - سه قطره خون صفحه ۱۹۳

۴ - سه قطره خون صفحه ۲۲۸

گوش تاگوش، سرتاسر. یعنی ازدور تا دور، ازگوش تاگوش، ازسرتاسر.

با

۱ - استعمال آزاد

در استعمال آزاد، حرف اضافه با دارای معانی زیر است:

الف همراهی، مثال [عصر، مثل هرروز، از مدرسه درآمده،
و با يك نفر ديگر از معلم ها داشته ميرفته كه ماشين زيرش ميگيرد]^۱
یعنی همراه يك نفر ديگر از معلم ها.

مثال ديگر [كتابه‌ايم را باچند تا جزوه مدرسه روي ميز ريختم]^۲
یعنی همراه چند تا جزوه. ب - وضع و حالت، مثال [يك حاجی آقا
با تنبان سفید و خشتك گشاد نماز ميخواند]^۳ یعنی درحالی نماز ميخواند
كه تنبان سفید، و خشتك گشاد بتن داشت. مثال ديگر [با چشمهای
اشك آلودگفت]^۴ یعنی ضمن گفتن از چشمهای اشك ميریخت.

ج - حالت فیزیکی یا اخلاقی. مثال [همیشه با آن دماغ بزرگ
و چشمهای کوچک بشکل وافوربها، ته باغ، زیر درخت کاج قدم ميزد]^۵
یعنی طبیعتاً دماغ بزرگ داشت و چشمهای کوچک بود. مثال ديگر:
[بلکه برعکس، آنها را با ايمان کامل استقبال کرد]^۶ یعنی از نظر

۱- مدیر مدرسه صفحه ۷۱

۲- سه قطره خون صفحه ۱۹

۳- مدیر مدرسه صفحه ۵۲

۴- سه قطره خون صفحه ۵۷

۵- سه قطره خون صفحه ۱۵

۶- سه قطره خون صفحه ۲۰۰

اخلاقی بآنها ایمان کامل داشت. د - وسیله و واسطه، مثال [بقراول دم در گفتم، حیوان را باتیر بزند]^۱ یعنی بوسیله تیر.

ه - کیفیت و چگونگی: a - وضع و حالت، مثال [باقدمهای بلند بطرف گاراژ رفت]^۲ یعنی وقتیکه میرفت، قدمهای بلند بر میداشت

b - حالت روانی. مثال [من با تعجب گفتم]^۳ یعنی در موقع گفتن از نظر روانی من شگفت زده بودم. c - صفت یا خصلت. مثال [من با شتاب بیرون رفتم]^۴ یعنی موقع بیرون رفتن من شتابزده بودم که شتاب خصلت یا صفتی را توجیه می نماید. d - چگونگی. مثال [باهمان صدا ناله میکشید]^۵ یعنی صدایش از نوع صداهای قبلیش بود.

e - امتیاز و فضیلت. مثال [باهمه این حرفها، میدانی که وقتمان تنگ است]^۶ یعنی باهمه امتیازی که حرفهای تو دارد، متأسفانه وقت کافی برای شنیدن آنها وجود ندارد.

۲ - وابسته فعل

در استعمال آزاد حرف اضافه با گفتیم که یکی از معانی آن مصاحبت و همراهی است بنا بر این افعالی میتوانند حرف اضافه با را وابسته خود سازند که در معنی آنها نوعی تعدد باشد. تا حرف اضافه

- | | |
|-------------------------|--------------------------|
| ۱ - سه قطره خون صفحه ۱۶ | ۲ - سه قطره خون صفحه ۵۸ |
| ۳ - سه قطره خون صفحه ۱۹ | ۴ - سه قطره خون صفحه ۲۰ |
| ۵ - سه قطره خون صفحه ۲۷ | ۶ - سه قطره خون صفحه ۱۶۲ |

بتواند واسطه برقراری ارتباط بین فاعل فعل و شخص دیگر را فراهم سازد. مثال [تاکنون کسی با من اینجوری حرف نزده]^۱ در این جمله فعل حرف زدن علاوه بر فاعل، فرد دیگری را نیز لازم دارد تا مورد خطاب قرار بگیرد، که همان ضمیر منفصل من است که بوسیله حرف اضافه با متمم مفهوم فعل قرار گرفته است.

مثال دیگر [ساعتهای دراز در بیرون دروازه، با ماه راز و نیاز میگرد]^۲ در این جمله فعل راز و نیاز کردن علاوه بر فاعل، وجود متمم دیگری را نیز ایجاب میکند که همان کلمه ماه است. افعال: مشورت کردن با، جنگیدن با، بازی کردن با، آشتی کردن با، شوخی کردن با، همچشمی داشتن با، لجبازی کردن با، فرق داشتن با... از نوع فعلهائی هستند که بالاجبار حرف اضافه با وابسته آنهاست.

۳ - وابسته اسم

در این مبحث هم اسم هائی میتوانند حرف اضافه با را وابسته خود سازند که در معنی آنها نوعی تعدد باشد، تا وابستگی حرف اضافه به آنها بتواند مصداق پیدا کند. مثال [میدانستم از لجبازی با من هم شده، بیال میآئی]^۳ لجبازی اسمی است که حرف اضافه با را وابسته خود ساخته است. زیرا این کلمه از نظر معنی احتیاج بطرف دیگری هم

۱ - سه قطره خون صفحه ۲۵۱

۲ - سه قطره خون صفحه ۲۱۴

۳ - سه قطره خون صفحه ۱۵۷

دارد تا حرف اضافه با بتواند بین آنها دخالت داشته باشد. مثال دیگر [و شاید مقدمه دوستی او با بهرام ، از همانجا شروع شد]^۱ در این جمله کلمه دوستی اسم است و حرف اضافه با وابسته آن زیرا عمل دوست شدن طرف دیگری را نیز لازم دارد که در این جمله بهرام است ، و آنچه رابطه دوستی را بین فاعل و بهرام برقرار میسازد حرف اضافه با است .
مثالهای دیگر : مشورت با ، مباحثه با ، ملاقات با ، متارکه با . . .

۳ - وابسته صفت

صفتهایی که مانند فعلها و اسمها ، در استعمال احتیاج بشخص یا چیز دیگری داشته باشند میتوانند حرف اضافه با را وابسته خود سازند .
مثال [این اظهار تعجب مخلوط با ملاحظت ، همایون را بیشتر از زنش متنفر ساخت]^۲ که صفت مخلوط حرف اضافه با را وابسته خود ساخته است . زیرا کلمه مخلوط ، علاوه بر خودش ، عامل دیگری را نیز احتیاج دارد تا عمل اختلاط انجام بگیرد که در این جمله همان کلمه ملاحظت است . توضیح اینکه تعداد اینگونه ترکیبات نسبت به ترکیبات فعلها و اسمها بسیار کم است . مثالهای دیگر :
مرکب با ، آلوده با ، پوشیده با ، آمیخته با

۱ - سه قطره خون صفحه ۳۵

۲ - سه قطره خون صفحه ۴۳

۵- استعمال صفت ساز

حرف اضافه با اغلب با اسمها ترکیب شده و صفتی بوجود می‌آورد که در جمله اسم دیگری را توصیف می‌نماید. مثال [او که آنقدر خندان بود و حرفهای بامزه میزد]^۱ در این جمله کلمه مزه که اسم است با حرف اضافه با ترکیب شده و توأمأً موصوف خود یعنی حرفها را وصف می‌نمایند .

مثال دیگر [صورتی بانمک و چشمهای گیرنده داشت]^۲ که بانمک برای صورت وصف قرار گرفته است ، مثالهای دیگر ، با اطلاع . باسواد ، باشکوه ...

۶- ترکیبات اضافی

ترکیبات اضافی این حرف اضافه نسبت بسایر حروف بسیار کم است مثال [با وجود اصرار صاحب گاراژ ، چون چمدانهایش را نبسته بود ، عوض اینکه غروب همان روز برود ، قرار گذاشت فردا صبح بکرمانشاه حرکت کند]^۳ در این جمله با وجود یک ترکیب اضافی است و روی کلمه اصرار اضافه شده است . مثالهای دیگر بانظر ، بادست ، باحضور ...

۷- ترکیبات ربطی

ترکیبات ربطی این حرف اضافه هم مثل ترکیبات اضافی نسبت

۱- سه قطره خون صفحه ۳۳

۲- سه قطره خون صفحه ۱۳۳

۳- سه قطره خون صفحه ۵۵

بسیار حروف اضافه بسیار کم است. مثال [با اینکه چندین بار برایش دعا گرفتند، رو به بهبودی نمیرفت]^۱ در این جمله با اینکه یک ترکیب ربطی است. مثالهای دیگر: با وجود اینکه، با آنکه، با همه اینکه...

۸- ترکیب‌های مختلف

این حرف اضافه باضمیر شخصی خود و فعلهای مختلف که تعدادشان بسیار کم است ترکیب‌های گوناگونی بوجود می‌آورد که معمولاً عمل فعل بخود فاعل بر می‌گردد.

بعبارت دیگر حرف اضافه با فاعل را باخودش مرتبط می‌سازد. مثال [در بین راه باخودش فکر میکرد]^۲ باخود فکر کردن یک ترکیب است که همان مفهوم فکر کردن را دارد، مثالهای دیگر: باخود آوردن، باخود بردن، باخود داشتن، باخود زمزمه کردن، باخود حرف زدن... توضیح: با توجه بمعانی مختلف حرف اضافه با که قبلاً بتفصیل شرح داده شده، این حرف اضافه نمیتواند مورد حذف داشته باشد.

بجز

این حرف اضافه که بر استعمال دلالت دارد استعمالش در نثر کاملاً رو بنقصان است. و اکثراً در معنی حرف اضافه به بکار میرود.

۱- سه قطره خون صفحه ۱۷۵

۲- سه قطره خون صفحه ۱۳۷

۱- استعمال آزاد

مثال [همینطور که دستش بر سرش بود، رفت، روی سکوی
مقابل نشست]^۱ در این جمله، حرف اضافه بطور آزاد و بدون هرگونه
وابستگی بکار رفته است.

۲- وابسته فعل

مثال [یعنی بوسیله ریاضت بر نفس اماره غلبه کند]^۲ حرف
اضافه بر وابسته است بفعل غلبه کردن. مثالهای دیگر: شکست آوردن
بر، مقدم داشتن بر، افزودن بر، چکیدن بر، صلوات فرستادن بر...

۳- وابسته اسم

مثال [همه جد و جهد خود را مصروف غلبه بر نفس بهیمی کرد]^۳
غلبه اسم است و حرف اضافه بر وابسته آن، مثالهای دیگر: مقدم بر،
صلوات بر، افزودن بر...

۴- استعمال وصف ساز

این حرف اضافه بندرت با بعضی کلمات ترکیب شده و بصورت

۱- سه قطره خون صفحه ۱۶

۲- سه قطره خون صفحه ۱۹۸

۳- سه قطره خون صفحه ۲۰۱

وصف بکار می‌رود. مثال [خطهای درهم و برهمی که روی کاغذ کشیده‌ام...]
 که برهم صفت خطهاست. مثالهای دیگر: برآمده، برکشیده...

۵ - ترکیبات اضافی

چون این حرف اضافه مورد استعمال کمی دارد. ترکیبات اضافی
 هم بهمان دلیل کمتر خواهد بود. مثال [ولی برخلاف معمول که روز
 جمعه در این اطاق خنده و شادی فرمانروائی داشت...]^۲ برخلاف يك
 ترکیب اضافی است. مثالهای دیگر: برعکس، برسر....

۶ - ترکیبات مختلف

این حرف اضافه با بعضی کلمات ترکیبات گوناگونی بوجود می‌آورد
 که تعدادشان بسیار محدود است و بر دو نوع است: الف ترکیبات فعلی
 a - ترکیبات فعلی ساده، مثال [اگر کسی اسمش را بر زبان می‌آورد
 شکمش را یاره می‌کردم]^۳ بر زبان آوردن يك ترکیب فعلی ساده است
 مثالهای دیگر: بر حذر بودن، بر پا شدن.... b - ترکیبات فعلی مرکب
 مثال [چند روزی ریاضتی بر خود میباید گرفت]^۴ که بر خود ریاضت
 گرفتن يك ترکیب فعلی مرکب است مثالهای دیگر: بر خود فشار آوردن،

۱- سه قطره خون صفحه ۱۲

۲- سه قطره خون صفحه ۳۴

۳- سه قطره خون صفحه ۲۳۷

۴- سه قطره خون صفحه ۲۰۱

بر خود هموار کردن

ب - ترکیبات قیدی یا وصفی a - ترکیبات ساده مثال [بلکه برعکس با مردم بمهربانی رفتار میکرد]^۱ که برعکس يك ترکیب ساده است و بصورت قید در این جمله بکار رفته است . b - ترکیبات مرکب مثال [دست بر قضا در همین اوان بود که وکیل بیوه میوه‌ای شدم که بی‌دول نبود]^۲ در این جمله دست بر قضا بصورت قید استعمال شده است مثال دیگر دست بردعا ...

۷ - حذف

این حرف اضافه که معنی استعلا از آن مستفاد میشود بتنهائی نمیتواند حذف شود ولی در ترکیبات اضافی آن عموماً حرف اضافه اصلی محذوف است . مثال [حرفم سر زبانهاست]^۳ یعنی حرفم بر سر زبانها است . که بر حرف اضافه اصلی حذف شده است . کلمه روی که پیوسته بدون حرف اضافه بکار میرود از ترکیبات اضافی این حرف اضافه است . مثال [من میدانم که آنجا زیر درخت ، سه قطره خون روی زمین چکیده]^۴ که در اصل بر روی زمین بوده است .

۱ - سه قطره خون صفحه ۶۴

۲ - سه قطره خون صفحه ۲۳۳

۳ - سه قطره خون صفحه ۹۸

۴ - سه قطره خون صفحه ۱۶

بی

این حرف اضافه درست برعکس حرف اضافه با که مصاحبت و همراهی را میرساند عمل میکند و سلب و فصل را بیان مینماید. این حرف با کلمات مختلف ترکیب شده گاهی بصورت قید و گاهی هم بصورت وصف در جمله بکار میرود.

۱- ترکیب قید ساز

مدخول حرف اضافه اسمهائی در معانی زیر است: الف - حالت فیزیکی یا روانی مثال [بطوریکه انسان بی اختیار از خودش می پرسید]^۱
 ب - اندازه و مقدار مثال [خودش را بی اندازه تنها و بیگانه حس میکرد]^۲
 ج - مهلت مثال [او بی درنگ راه افتاد در صورتیکه نمیدانست کجا میرود]^۳
 د - حالات دیگر مثال [چند قدم بی کمک عصا راه رفت]^۴
 ه - ترکیب با خود مثال [اما بیخود غم مخور ، چه آن دختر در نزدیکی توست]^۵

۲- ترکیب وصف ساز

مدخول حرف اضافه اسمهائی در معانی زیر است: الف - حالت

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱- سه قطره خون صفحه ۲۴ | ۲- سه قطره خون صفحه ۴۹ |
| ۳- سه قطره خون صفحه ۵۱ | ۴- سه قطره خون صفحه ۱۸۷ |
| ۵- سه قطره خون صفحه ۱۴۲ | |

فیزیکی یا اخلاقی مثال [تمام شب این گربه بی انصاف ، باحنجره ترسناکش ناله میکشد]^۱ ب - وضع و حالت مثال [چشمهای باز و بیحالت او بطرز ترسناکی روشن شد]^۲ ج - اندازه و مقدار مثال [اندوه بی پایان مرا میکبرد]^۳ د - حالات دیگر مثال [مردم بیکار را دور خودش جمع میکرد]^۴ ه - ترکیب با خود مثال [دخالت‌های بیخودی آن مرد بیشتر او را ناراحت میکرد]

۴- ترکیبات ربطی

این حرف اضافه در موارد بسیار نادر با بعضی کلمات ترکیب شده عمل ربط را انجام میدهد. مثال [زنش سالها با او راه داشته ، بی آنکه او بداند]^۵ بی آنکه يك ترکیب ربطی است .

۴ - ترکیبات مختلف

ترکیبات گوناگون این حرف اضافه هم بعلا کمتی استعمالش بسیار محدود است . مثال [بجای وارث يك نفر بی سر و پا را اختیار کرده]^۶ بی سر و پا يك ترکیب است مثال دیگر : بی همه چیز .

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱- سه قطره خون صفحه ۲۷ | ۲- سه قطره خون صفحه ۲۱۳ |
| ۳- سه قطره خون صفحه ۲۴۹ | ۴- سه قطره خون صفحه ۱۷۳ |
| ۵- سه قطره خون صفحه ۴۳ | ۶- سه قطره خون صفحه ۱۳۵ |

بیه

۱- استعمال آزاد

- الف - مکان حرف اضافه دارای معانی زیر است : a - ظرفیت
 مثال [بدیوار زندان صورت میکشند]^۱ یعنی دردیوار زندان .
 مثال دیگر [خون بچشمش خشک شده بود]^۲ یعنی درچشمش .
 b - سمت و جهت مثال [کاکا رستم چشم براه شما بود]^۳ یعنی چشمش
 بطرف راه شما بود .
 c - استعمال مجازی مثال [رفتم و گوش بزنگ ایستادم]^۴
 یعنی گوشم بطرف زنگ بود که کنایه از آمادگی کامل است .
 d - سمت و جهت جایی مثال [چند قدم بدرازی اطاق رفت]^۵
 ب - زمان حرف اضافه دارای معانی زیر است . a - ظرفیت
 مثال [همان ساعت شب پیش در باز شد]^۶ یعنی در همان ساعت .
 b - تاریخ مثال [بتاریخ . . . از روی رضا و رغبت ، همه
 دارائی خودم را به هما خانم ماه آفرید بخشیدم]^۷ یعنی در تاریخ . . .
 c - سمت و جهت مثال [از این بیعد داشاکل از شبگردی و قرق کردن
 چهارسو کناره گرفت]^۸ یعنی از این لحظه بطرف بعد .

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱- سه قطره خون صفحه ۲۵۱ | ۲- سه قطره خون صفحه ۱۵ |
| ۳- سه قطره خون صفحه ۷۰ | ۴- سه قطره خون صفحه ۱۹ |
| ۵- سه قطره خون صفحه ۱۹ | ۶- سه قطره خون صفحه ۲۶۱ |
| ۷- سه قطره خون صفحه ۴۲ | ۸- سه قطره خون صفحه ۷۳ |

ج - وسیله و واسطه مثال [تو که بچشم خودت دیدی]^۱ یعنی با چشم خودت . مثال دیگر [بکمک حسین آقا او را بخانه بردند]^۲ یعنی با کمک حسین آقا .

- د - کیفیت مدخول حرف اضافه اسمهائی درمعانی زیر است .
- a - کیفیت مثال [دو هفته زندگی او بهمین ترتیب گذشت]^۳
- b - جنس و خاصیت مثال [تماشاچیان جلو دویدند و داشاکل را بدشواری از زمین بلندکردند]^۴
- c - وضع و حالت مثال [دو سه بار بازوی او را بزور کشیدم]^۵
- d - حالت فیزیکی یا روانی مثال [پنجره را بتغییر بستم]^۶
- e - خوی و عادت مثال [عبادت همیشه نیامده بود]^۷
- ه - مقدار مثال [صدای او بقدری نزدیک بود که مرا متوحش کرد]^۸
- و - قیمت مثال [همسایه آنها اینکار را کرده بود ، تا خانه را بقیمت ارزان بخرد]^۹

۲- وابسته فعل

تعداد فعلهائی که میتوانند حرف اضافه به را وابسته خود سازند بعلا ت نوسان فوق العاده این حرف بمراتب بیشتراند . مثال [کیف پولش

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱ - سه قطره خون صفحه ۲۷ | ۲ - سه قطره خون صفحه ۱۱۳ |
| ۳ - سه قطره خون صفحه ۵۵ | ۴ - سه قطره خون صفحه ۸۵ |
| ۵ - سه قطره خون صفحه ۹۵ | ۶ - سه قطره خون صفحه ۹۶ |
| ۷ - سه قطره خون صفحه ۳۴ | ۸ - سه قطره خون صفحه ۱۹ |
| ۹ - سه قطره خون صفحه ۲۵۴ | |

را در آورد ، به آن زن داد ^۱ در این جمله حرف اضافه به وابسته فعل دادن است. مثال دیگر [در موقع تفریح من به سیاهش تار مشق میدادم]^۲ در این جمله هم حرف اضافه به وابسته فعل مشق دادن است. مثالهای دیگر گفتن به ، نشان دادن به ، رفتن به ، فرستادن به ، رسیدن به ، دعوت کردن به ، پناهنده شدن به ، نگاه کردن به ، چسبیدن به

۳- وابسته اسم

وابستگی این حرف اضافه با اسماء گوناگون بعلت فعالیت شدید آن بمراتب بیشتر است. مثال [ولی علاقه او بمرجان چیز دیگری بود]^۳ در این جمله حرف اضافه به وابسته علاقه است. مثال دیگر [در ضمن برایم مسافرت بلندن پیش آمد]^۴ در این مثال هم مسافرت که يك اسم است حرف اضافه به را وابسته خود ساخته است. مثالهای دیگر : سرکشی به ، رسیدگی به ، گرایش به

۴- وابسته صفت

مثال [چشمش را بمایع سبز مایل بزنگاری دوخت]^۵ حرف اضافه به وابسته صفت مایل است ، مثال دیگر [لازم بمعرفی نیست]^۶

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| ۱- سه قطره خون صفحه ۲۱۷ | ۲- سه قطره خون صفحه ۱۸ |
| ۳- سه قطره خون صفحه ۷۷ | ۴- سه قطره خون صفحه ۹۶ |
| ۵- سه قطره خون صفحه ۲۶۰ | ۶- سه قطره خون صفحه ۲۸ |

حرف اضافه به وابسته صفت لازم است . وابستگی این حرف اضافه بصفت نسبت بوابستگی آن با اسم کمتر است .

۵- ترکیبات اضافی

ترکیبات اضافی این حرف بر چند نوع است :

الف : ترکیبات مرکب از يك حرف اضافه و يك اسم که روی کلمه بعدی اضافه میشوند . مثال [اصلا بهوای من آمده بود]^۱ در این جمله حرف اضافه به باهوا ترکیب شده و روی ضمیر من اضافه شده است . مثال دیگر [همه اش بگردن شوهر آتش بجان گرفته ام بود]^۲ که بگردن يك ترکیب اضافی است مثالهای دیگر : بجای ، بمناسبت ، بنظر بطرز

ب - ترکیبات مرکب از يك اسم و یا يك صفت و يك حرف اضافه که اسم یا صفت بر حرف اضافه مقدم است . مثال [لابد زنت هم همین احساس را نسبت به او میکند]^۳ نسبت به يك ترکیب اضافی است مثال دیگر [آنقدر افکار لطیف راجع به عشق داشت . . .]^۴ راجع به يك ترکیب اضافی است .

ج - ترکیبات مرکب از دو حرف اضافه مثال [اما حالا فکر دیگری بجز لاله نداشت]^۵ بجز يك ترکیب اضافی است . مثال دیگر

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱- سه قطره خون صفحه ۱۲۸ | ۲- سه قطره خون صفحه ۱۲۱ |
| ۳- سه قطره خون صفحه ۴۱ | ۴- سه قطره خون صفحه ۴۰ |
| ۵- سه قطره خون صفحه ۱۳۸ | |

[تا به امروز هم هرچه خرج شده با مخارج امشب، همه را از جیب خود داده‌ام] ^۱ تا به يك ترکیب اضافی است. در ترکیبات مرکب از دو حرف اضافه و يك اسم که اسم وسط حروف قرار می‌گیرد. مثال [بغیر از ماه سلطان، خواهر خوانده صغری که سید جعفر را مسؤول مرگ میدانست . . .] ^۲ بغیر از يك ترکیب اضافی است که غیر وسط دو حرف اضافه، یعنی به و از قرار گرفته است.

۶- ترکیبات ربطی

ترکیبات ربطی این حرف اضافه هم مثل سایر ترکیباتش متنوع است. مثال [يك ماه بعد اول زمستان بود که گدا علی سخت ناخوش شد، بطوریکه دو مرتبه وصیت کرد] ^۳ بطوریکه يك ترکیب ربطی است. مثالهای دیگر: بشرطیکه، بجای اینکه، بجز اینکه، بدون اینکه، باین معنی که . . .

۷- ترکیبات مختلف

این حرف اضافه با اسما و افعال گوناگون ترکیب شده ترکیبات و اصطلاحات مختلفی بوجود می‌آورد که خود بر چند نوع است:

۱- سه قطره خون صفحه ۷۹

۲- سه قطره خون صفحه ۱۷۴

۳- سه قطره خون صفحه ۱۲۱

الف: ترکیبات قیدی یا وصفی a - ترکیبات قیدی یا وصفی ساده مثال [سالک کوچکی که آنقدر بجا، گوشه لب خجسته واقع شده بود]^۱ بجا يك ترکیب است که گاهی بصورت قید و گاهی بصورت وصف استعمال میشود. مثالهای دیگر بعلاوه، بعکس، بهرحال، بنام، بهمین جهت ... b - ترکیبات قیدی یا وصفی مرکب مثال [تنگهای دوغ و شربت و لیوانهای رنگ برنگ روی میز چیده بودند]^۲ رنگ برنگ يك ترکیب مرکب است. مثالهای دیگر گوریگو، سال بسال، روبرو، عاقبت بخیر، روز بروز ...

ب: ترکیبات فعلی a - ترکیبات فعلی ساده مثال [دراین شب اودت لباس آبی نوش را پوشیده بود و خوشحالتتر از همیشه بنظر میآمد]^۳ بنظر آمدن يك ترکیب فعلی ساده است. مثالهای دیگر: بهوش آمدن، بحرکت آوردن، بکار بردن، بگردن گرفتن، بیاد آمدن، بدر رفتن، به تنگ آمدن ...

b - ترکیبات فعلی مرکب. مثال [هیچ نگفتم تا اینکه یارو بصدادرآمد]^۴ بصدادرآمدن يك ترکیب فعلی مرکب است. مثالهای دیگر: بخود راه دادن، جابجا کردن، بتک و دو افتادن، روبراه کردن، پا بسن گذاشتن، نمک بحرامی کردن، روی خوش بخود ندیدن ...

۱- سه قطره خون صفحه ۱۴۸

۲- سه قطره خون صفحه ۲۲۱

۳- سه قطره خون صفحه ۹۳

۴- سه قطره خون صفحه ۲۳۲

۸ - حذف

بهمان اندازه که فعالیت و رواج این حرف اضافه در زبان فارسی شدت دارد موارد حذفش هم بمراتب متعدد و متنوع است. حرف اضافه به در موارد زیر محذوف است:

a - مکان. مثال [بیا تو کسی خانه مان نیست]^۱ یعنی بیا به تو
 b - سمت و جهت مثال [نماشاجیان جلو دویدند و داشاکل را بدشواری از زمین بلند کردند]^۲ یعنی بجلو دویدند که به حذف شده است
 c - ترکیبات فعلی مثال [یاد روز هائی افتاد که با ماگ بود]^۳
 یعنی بیاد روز هائی افتاد.

d - کیفیت مثال [من رفتم پشت در گوش ایستادم]^۴ یعنی بگوش ایستادم.

e - قیمت. مثال [نخم مرغ میدادند ده تا صد دینار]^۵ یعنی بصددینار.

f - ترکیبات اضافی مثال [خداداد کارد را گوشه اطاق پرت کرد]^۶ یعنی بگوشه اطاق پرت کرد. مثالهای دیگر: کنار، نزدیک، زیر، میان، عقب... این کلمات جز ترکیبات اضافی به هستند که در اصطلاح حرف اضافی اصلی آنها یعنی به اکثراً حذف میشود.

۱- سه قطره خون صفحه ۱۹ ۲- سه قطره خون صفحه ۸۵

۳- سه قطره خون صفحه ۱۸۰ ۴- سه قطره خون صفحه ۱۲۲

۵- سه قطره خون صفحه ۲۲۳ ۶- سه قطره خون صفحه ۱۳۲

تا

حرف اضافه تا که در معنی حد و انتهایست بعد از آن عموماً کلماتی در مفهوم زمان و مکان و بندرت هم در معنی اندازه و مقدار قرار میگیرند. این حرف اضافه گاهی با حرف اضافه از و گاهی هم بدون آن استعمال میشود.

الف - قید زمان a - استعمال با از مثال [از دیروز تا حالا هر چه فکر میکنم چیزی ندارم که بنویسم] b^۱ - استعمال بدون از مثال [کسانیکه تا آخر عمرشان بچه میمانند]^۲

ب - قید مکان e - استعمال با از مثال [من از زمین تا آسمان با آنها فرق دارم] b^۲ - استعمال بدون از مثال [نسیم آرامی بوی گلها را تا اینجا میآورد]^۴

ج - اندازه و مقدار مثال [همه معایب و محاسن او، تا همین اندازه محدود میشد]^۵ مثال دیگر [بطری را از دست او گرفت آنوقت تا نصف آن را سرکشید]^۶ در مواقع بسیار نادر این حرف اضافه با کلماتی غیر از مفاهیمی که در بالا ذکر شد بکار میرود.

۲ - ترکیبات اضافی

الف - ترکیبات مرکب از یک حرف اضافه و یک اسم که روی

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱ - سه قطره خون صفحه ۱۱ | ۲ - سه قطره خون صفحه ۱۲ |
| ۳ - سه قطره خون صفحه ۱۳ | ۴ - سه قطره خون صفحه ۱۲ |
| ۵ - سه قطره خون صفحه ۷۲ | |

کلمه بعدی اضافه میشوند .

مثال [شبهائی که تا نزدیک صبح ، پشت پنجره خانه او قدم میزند]^۱
تا نزدیک يك ترکیب اضافی است . مثال دیگر [فشاریکه در ته مغز خودش
حس میکرد که از آنجا تا زیر پیشانی و شقیقه هایش میآمد]^۲ تا زیر
يك ترکیب اضافی است .

ب - ترکیبات مرکب از دو حرف اضافه مثال [تا به امروز هم
هرچه خرج شده با مخارج امشب ، همه را از جیب خود داده‌ام]^۳ تا به
يك ترکیب اضافی است که از دو حرف اضافه تا و به ترکیب یافته است .

۳- ترکیبات ربطی

مثال [تا اینکه پربروز صبح در اداره به همایون تلفن زدند]^۴
تا اینکه يك ترکیب ربطی است . مثالهای دیگر : تادمیکه ، تا آنجا که ،
تا زمانیکه

۴- ترکیبات مختلف

مثال [دوباره نگاهی به سر تا پای او کرد]^۵ سر تا پای يك ترکیب
است ، که با حرف اضافه تا بوجود آمده است . مثالهای دیگر . گوش تا

۱- سه قطره خون صفحه ۱۵۳

۲- سه قطره خون صفحه ۲۱۳

۳- سه قطره خون صفحه ۷۹

۴- سه قطره خون صفحه ۳۶

۵- سه قطره خون صفحه ۶۷

گوش ، دور تا دور ، سرتاسر . . .
این حرف اضافه چون در معنی جد و انقیاست نمیتواند مورد
حذف داشته باشد .

در

این حرف اضافه که دارای معنی ظرفیت است در حالات زیر
بکار میرود .

۱- استعمال آزاد

- الف - مکان مثال [در زیر زمین دور هم جمع میشویم]^۱
ب - زمان مثال [در تمام این مدت هر چه التماس میکردم ، کاغذ
و قلم میخواستم بمن نمیدادند]^۲
ج - حالت مثال [هفت تیر کوچکی را که همیشه در سفر همراه
داشتم در آورد]^۳
د - عمل مثال [در عشقبازی جانوران ، بوی مخصوص آنها
خیلی اهمیت دارد]^۴
ه - کیفیت مثال [در تاریکی دستم را روی پستانهای آن دختر
میمالیدم]^۵

۱- سه قطره خون صفحه ۱۱

۲- سه قطره خون صفحه ۱۲

۳- سه قطره خون صفحه ۲۴

۴- سه قطره خون صفحه ۵۱

۵- زنده بگور صفحه ۱۴

و - شخص مثال [و دیوی که درمن بیدار شده بودکشتم]^۱
 ز - خوی طبیعی یا اخلاقی مثال [درخیال خودش میجسم کرد که
 دست بچه‌ای که شکل دهاتی‌هاست و گونه های سرخ دارد گرفته ، آنجا
 دارد گردش میکند]^۲

۲- وابسته فعل

در جمله [همایون با زن جوان و دختر کوچکش هما ، دراطاق
 سردستی خودشان ، جلو بخاری نشسته بودند]^۳ حرف اضافه در وابسته
 فعل نشستن است و از خودش هیچگونه استقلالی ندارد . زیرا عمل
 نشستن مستلزم وجود محلی است تا وقوع فعل انجام پذیرد . و این تنها
 حرف اضافه در است که در معنی ظرفیت وجود محل را توجیه می نماید
 مثال دیگر [تمام خون را درسرش جمع کرد]^۴ در وابسته فعل جمع
 کردن است . مثالهای دیگر پیچیدن در ، غرق شدن در ، شرکت کردن در ،
 غور کردن در

۳- ترکیبات اضافی

مثال [چه جانفشانیها که بهرام درباره او نکرد]^۵ درباره يك
 ترکیب اضافی است ، مثال دیگر [ایشان شهادت میدهند که سه قطره

۲- سه قطره خون صفحه ۱۶۳

۱- سه قطره خون صفحه ۵۶

۴- سه قطره خون صفحه ۱۳۷

۳- سه قطره خون صفحه ۳۴

۵- سه قطره خون صفحه ۳۸

خون را بچشم خودشان درپای درخت کاج دیده‌اند] ^۱ درپای یک ترکیب اضافی است. مثالهای دیگر: درموقع، درپیش، در روی، درمسیر، درنزد...

۴- ترکیبات ربطی

مثال [درصورتیکه تن دیگری مانند کمان خمیده میشد] ^۲
 درصورتیکه یک ترکیب ربطی است. مثال دیگر: درحالیکه.

۵- ترکیبات مختلف

الف- ترکیبات قیدی یاوصفی a- ترکیبات ساده مثال [خطهای درهم و برهمی که روی کاغذ کشیده‌ام] ^۳ درهم یک ترکیب ساده است.
 b- ترکیبات مرکب مثال [یک بسته سیگار رو برویش بود که پی درپی از آن میکشید] ^۴ پی درپی یک ترکیب مرکب است.
 ب- ترکیبات فعلی a- ترکیبات ساده مثال [من از پشت شیشه پنجره آنها را دیدم که همدیگر را درآغوش کشیدند و بوسیدند] ^۵
 درآغوش کشیدن یک ترکیب فعلی ساده است. مثالهای دیگر درنظر گرفتن در بند بودن، درغلاف کردن، درهم کشیدن... b- ترکیبات مرکب مثال [پس از کمی تردید، راه باریک و خطرناکی که به گجسته دژمیرفت

۱- سه قطره خون صفحه ۲۸

۲- سه قطره خون صفحه ۲۵

۳- سه قطره خون صفحه ۱۲

۴- سه قطره خون صفحه ۳۷

۵- سه قطره خون صفحه ۲۹

درپیش گرفت] ' راه درپیش گرفتن يك ترکیب فعلی مرکب است .

۶- حذف

این حرف اضافه بهمان اندازه که دارای فعالیت است دارای موارد حذف زیاد هم هست . مواردیکه این حرف اضافه میتواند محذوف باشد :
الف - مکان مثال [يك سال است که اینجا هستم]^۲ یعنی در اینجا هستم .

ب - زمان مثال [بایپراهن و شلووار زرد ، روز های تابستان در زیر زمین دور هم جمع میشویم]^۳ یعنی در روزهای تابستان .
ج - حالت مثال [صبح زود که به اداره میرود ، هنوز او خواب است]^۴ یعنی در خواب است .

در ترکیبات فعلی مثال [درست یادم نیست]^۵ یعنی دریادم نیست .
ه - ترکیبات اضافی مثال [بعد از آنکه تکه ها را روی میز بغل هم گذاشت اینطور خواند]^۶ یعنی در بغل هم گذاشت . مثالهای دیگر : گوشه ، لای ، پای ، پیش ، سر ، روی . . . این کلمات از جمله ترکیبات اضافی حرف اضافه در هستند که حرف اضافه اصلی آنها یعنی در عموماً حذف میشود .

۱- سه قطره خون صفحه ۲۵۶

۲- سه قطره خون صفحه ۱۲

۳- سه قطره خون صفحه ۱۲

۴- سه قطره خون صفحه ۴۱

۵- سه قطره خون صفحه ۲۴۸

۶- سه قطره خون صفحه ۵۶

با توجه به موارد استعمال مختلف این حروف و ارتباط آنها با کلمات دیگر باین نتیجه میرسیم که چون حروف اضافه به و از در زبان استعمال همه جانبه دارند و با اصطلاح، بر مفاهیم گوناگونی از قبیل: زمان، مکان، اوضاع ظاهری و حالات روانی دلالت دارند میتوانند با اغلب اجزاء کلام مانند: اسم، فعل، صفت و قید همراه شده و افاده معانی متنوعی بکنند نتیجتاً از نظر فعالیت و رواج نسبت بسایر حروف در مقام اول قرار دارند. بطوریکه بیان و انتقال مقصودی از فردی به فرد دیگر بدون وجود آنها بهیچ عنوان صورت کمال نخواهد یافت. و بعد از آنها حرف اضافه در اگر چه در تمام جنبه ها مورد استعمال دارد و با اغلب کلمات حالت ترکیب پیدا میکند و معانی متعددی را توضیح میدهد. ولی چون در همه حال معنی ظرفیت و گنجایش از آن استنناط میشود با همه اهمیتش نسبت به حرف قبلی فعالیتش بمراتب کمتر است. و حرف اضافه با در معنی مصاحبت و همراهی از نظر استعمال و رواج در مقام چهارم قرار دارد و بالاخره حروف اضافه تا در معنی حد و انتها و بر در مفهوم استعلا و بی در معنی سلب و فصل بعلت عدم شمول معنی آنها بر جنبه های مختلف زبان دارای نوسان بسیار کمی هستند. و حروف اضافه دیگر بطوریکه در مقدمه هم با آنها اشاره شد بیشتر در اشعار مورد استفاده هستند و وجودشان اغلب بخاطر ادامه سنتهای ادبی است.

پایان

شاهد های این مقاله از منابع زیر است :

- ۱- سه قطره خون . صادق هدایت . تهران - امیرکبیر - چاپ هشتم - جیبی .
- ۲- زنده بگور . صادق هدایت . تهران - امیرکبیر - چاپ هفتم - جیبی .
- ۳- مدیر مدرسه . آل احمد چاپ چهارم تهران ۱۳۵۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی